

زندگینامه حضرت امام محمد تقی جواد الأئمه علیه السلام

امام نهم شیعیان حضرت جواد (ع) در سال ۱۹۵ هجری در مدینه ولادت یافت.

نام نامی اش محمد معروف به جواد و تقی است.

القاب دیگری مانند: رضی و متقی نیز داشته، ولی تقی از همه معروفتر می باشد. پدر ایشان حضرت امام رضا(ع) و مادر گرامی اش صبیبه یا خیزران است که این دو نام در تاریخ زندگی آن حضرت ثبت است.

امام محمد تقی (ع) هنگام وفات پدر ۸ ساله بود. پس از شهادت جانگداز حضرت رضا علیه السلام در اواخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری مقام امامت به فرزند ارجمندش حضرت جواد الأئمه (ع) انتقال یافت.

مأمون خلیفه عباسی که همچون سایر خلفای بنی عباس از پیشرفت معنوی و نفوذ باطنی امامان معصوم و گسترش فضایل آنها در بین مردم هراس داشت، سعی کرد ابن الرضا را تحت مراقبت خاص خویش قرار دهد. " از اینجا بود که مأمون نخستین کاری که کرد، دختر خویش ام الفضل را به ازدواج حضرت امام جواد (ع) درآورد، تا مراقبی دایمی و از درون خانه، بر امام گمارده باشد. رنجهای دایمی که امام جواد (ع) از ناحیه این مأمور خانگی برده است، در تاریخ معروف است."

از روشهایی که مأمون در مورد حضرت رضا (ع) به کار می بست، تشکیل مجالس بحث و مناظره بود.

مأمون و بعد معتصم عباسی می خواستند از این راه «به گمان باطل خود» امام (ع) را در تنگنا قرار دهند.

در مورد فرزندش حضرت جواد (ع) نیز چنین روشی را به کار بستند. به خصوص که در آغاز امامت هنوز سنی از عمر امام جواد (ع) نگذشته بود. مأمون نمی دانست که مقام ولایت و امامت که موهبتی است الهی، بستگی به کمی و زیادی سالهای عمر ندارد.

باری، حضرت جواد (ع) با عمر کوتاه خود که همچون نوگل بهاران زودگذر بود، و در دوره ای که فرقه های مختلف اسلامی و غیر اسلامی در میدان رشد و نمو یافته بودند و دانشمندان بزرگی در این دوران، زندگی می کردند و علوم و فنون سایر ملتها پیشرفت نموده و کتابهای زیادی به زبان عربی ترجمه و در دسترس قرار گرفته بود، با کمی سن وارد بحثهای علمی گردید و با سرمایه خدایی امامت که از سرچشمه ولایت مطلقه و الهام ربانی مایه گرفته بود، احکام اسلامی را مانند پدران و اجداد بزرگوارش گسترش داد و به تعلیم و ارشاد پرداخت و به مسائل بسیاری پاسخ گفت.

شهادت حضرت جواد الائمه علیه اسلام

این نوگل باغ ولایت و عصمت گرچه کوتاه عمر بود ولی رنگ و بویش مشام جانها را بهره مند ساخت. آثار فکری و روایاتی که از آن حضرت نقل شده و مسائلی را که آن امام پاسخ گفته و کلماتی که از آن حضرت بر جای مانده، تا ابد زینت بخش صفحات تاریخ اسلام است. دوران عمر آن امام بزرگوار ۲۵ سال و دوره امامتش ۱۷ سال بوده است. معتصم عباسی از حضرت جواد (ع) دعوت کرد که از مدینه به بغداد بیاید.

امام جواد (ع) در ماه محرم سال ۲۲۰ هجری به بغداد وارد شد. معتصم که عموی ام الفضل زوجه حضرت جواد بود، با جعفر پسر مأمون و ام الفضل بر قتل آن حضرت همداستان شدند. علت این امر - همچنان که اشاره کردیم - این اندیشه شوم بود که مبادا خلافت از بنی عباس به علویان منتقل شود. از این جهت، در صدد تحریک ام الفضل بر آمدند و به وی گفتند تو دختر و برادرزاده خلیفه هستی، و احترامت از هر جهت لازم است و شوهر تو محمد بن علی الجواد، مادر علی هادی فرزند خود را بر تو رجحان می نهد. این دو تن آن قدر وسوسه کردند تا ام الفضل، چنان که روش زنان نازاست، تحت تأثیر حسادت قرار گرفت و در باطن از شوهر بزرگوار جوانش آزرده خاطر شد و به تحریک و تلقین معتصم و جعفر برادرش، تسلیم گردید. آنگاه این دو فرد جنایتکار سمی کشنده در انگور وارد کردند و به خانه امام فرستاده تا سیاه روی دو جهان، ام الفضل، آنها را به شوهرش بخوراند. ام الفضل طبق انگور را در برابر امام جواد (ع) گذاشت، و از انگورها تعریف و توصیف کرد و حضرت جواد (ع) را به خوردن انگور وادار و در این امر اصرار کرد. امام جواد (ع) مقداری از آن انگور را تناول فرمود. چیزی نگذشت آثار سم را در وجود خود احساس فرمود و درد و رنج شدیدی بر آن حضرت عارض گشت.

ام الفضل سیه کار با دیدن آن حالت دردناک در شوهر جوان، پشیمان و گریان شد، اما پشیمانی سودی نداشت. حضرت جواد (ع) فرمود: چرا گریه می کنی؟ اکنون که مرا کشتی گریه تو سودی ندارد. بدان که خداوند متعال در این چند روزه دنیا تو را به دردی مبتلا کند و به روزگاری بیفتی که نتوانی از آن نجات یابی. در مورد مسموم کردن حضرت جواد (ع) قولهای دیگری هم نقل شده است.

روابط عمومی اداره کل هواشناسی استان سمنان